

بررسی رفتار انحرافی دانشجویان: ارزیابی توان تبیینی نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل

اکبر علیوردی‌نیا*

نگار شهریاری یانه‌سری**

چکیده

هدف تحقیق حاضر آن است که با ارزیابی توان تبیینی نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل، چرایی وقوع رفتارهای انحرافی را در میان دانشجویان دانشگاه مازندران بررسی کند. روش تحقیق حاضر پیمایشی است. در مجموع ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند، به شیوه‌ی نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که میان پسران و دختران از لحاظ میزان وقوع رفتارهای انحرافی، تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که ارتکاب رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر است. یافته‌ها نشان می‌دهد مدل مستخرج از متغیرهای مبتنی بر نظریه‌های کلاسیک فشار، بازدارندگی، پیوند اجتماعی و نظریه عمومی جرم، به خوبی می‌تواند رفتارهای انحرافی دانشجویان را تبیین نماید. در واقع، از یک سو، قرار گرفتن در معرض فشار، ممکن است التزام به فعالیت‌های متداول، باور به قوانین، ارزیابی از خطرات مجازات و خودکنترلی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، ترس از مجازات‌ها، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های متداول، باور به عادلانه بودن قوانین و خودکنترلی بالا، می‌توانند منجر به شرایطی شود که افراد به جای انطباق با فشارهای ساختاری، راهبردهای مقابله‌ای را انتخاب نمایند.

کلیدواژه‌ها: رفتارهای انحرافی، نظریه کلاسیک فشار، نظریه‌های کنترل.

* استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، aliverdinia@umz.ac.ir
** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، shahryari_negar@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۸

۱. مقدمه

انحراف به مطالعه‌ی رفتاری اشاره دارد که از هنجارهای اجتماعی به دور است (Siegel, 6: 2011) و رفتارهای انحرافی به مثابه یکی از آسیب‌های اجتماعی است، که بر خلاف هنجارهای اجتماعی، از فرد سر زده و کارکردهای وی را مختل کرده و به تبع آن، کارکرد خانواده و جامعه را تحت شعاع قرار می‌دهد (علیوردی نیا و صالح نژاد ۱۳۹۰: ۹). افراد همانگونه که هنجارهای متداول و نقش‌های اجتماعی را یاد می‌گیرند، نقش‌ها و الگوهای رفتار انحرافی را نیز می‌آموزند (Clinard & Meier, 2008: 22). مراکز آموزشی و خصوصاً دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین مکان‌ها برای تجمع افراد و این گونه یادگیری‌هاست.

در واقع، برخی شواهد وجود دارد که نشان می‌دهد دانشجویان نسبت به هم سن و سال‌های خود که در دانشگاه حضور ندارند، نرخ بالاتری از رفتارهای انحرافی دارند (Ford & Blumenstein, 2013: 56-57). تحقیقات موجود، نشان دهنده‌ی افزایش رفتارهای انحرافی دانشجویان در طی سالهای اخیر است (O'brien & Durkin & et al, 1999; Lewis, et al, 2012; et al, 2012). بنابراین گسترش رفتار انحرافی در جوانان، به ویژه در میان دانشجویان در دانشگاه‌ها، مسئله‌ای بغرنج است که با عنایت به پیامدهای منفی متعددی که برای جامعه دارد، نیازمند توجه جدی است.

نظریه‌های جامعه‌شناختی متعددی به بررسی رفتارهای انحرافی پرداخته‌اند. نظریه کلاسیک فشار/آنومی (Classic Strain/Anomie Theory) رابرت کی مرتن (Robert K. Merton) یکی از نظریات کلاسیک جرم‌شناسی است که با بررسی ساختارهای موجود در جامعه به تبیین رفتار انحرافی می‌پردازد. مرتن دریافت دو عنصر برای ایجاد شرایط بالقوه آنومیک با هم در تعامل‌اند: اهداف فرهنگی (Cultural goals) تعریف شده و ابزارهای اجتماعی پذیرفته شده برای دستیابی به آنها. جامعه‌ی معاصر بر اهداف کسب ثروت، موفقیت و قدرت تأکید می‌کند. ابزارهای اجتماعی مشروع دستیابی شامل کار سخت، تحصیلات و صرفه جویی است. مرتن استدلال می‌کند که در ایالات متحده، ابزارهای مشروع (Legitimate means) دستیابی ثروت در طول خطوط طبقه و پایگاه قشربندی شده است (Siegel, 2011: 205). به ویژه، ایالات متحده جامعه‌ای است که در آن اهداف موفقیت بیش از حد مورد تأکیدند در حالی که ابزارهای مشروع دستیابی به آنها به میزان کافی مورد تأکید نیست (Antonaccio, 2008: 5). مرتن این نوع از جامعه را که در آن عدم برابری فرصت همراه با تأکید قوی بر موفقیت وجود دارد، به عنوان جامعه آنومیک توصیف می‌کند و رفتار انحرافی را به عنوان واکنشی به شرایط آنومی در نظر می‌گیرد.

ارزیابی‌های مختلف در خصوص نظریه کلاسیک فشار، ضعف‌های نظری و تجربی آن را در تبیین رفتارهای انحرافی نشان می‌دهد. اول آنکه، نظریه مرتن تنها یک متغیر تبیینی را به عنوان منبع انگیزش رفتار انحرافی شناسائی می‌کند. دوم، بحث مرتن درباره‌ی عنصر مرکزی انگیزش یعنی فشار، ناقص است. سوم آنکه، این نظریه از حذف توصیف درباره‌ی مهارهای دیگری که ممکن است اثر این نوع فشار را خنثی نموده و از این رو پاسخ‌های افراد به محیط آنومیک را تغییر دهند، رنج می‌برد. همچنین در توصیف فرآیند کامل علی نیز موفق نبوده است (Antonaccio, 2008: 11-23). از سویی دیگر، تعدادی از سؤالات نیز توسط نظریه‌ی مرتن بی پاسخ مانده است. او اینکه چرا افراد جرم خاصی را مرتکب می‌شوند، تبیین نمی‌کند. همچنین منتقدان بیان می‌کنند که افراد نه یک هدف واحد بلکه اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند. دستیابی به این اهداف تنها موضوع طبقه اجتماعی نیست، عوامل دیگری همانند هوش، شخصیت و زندگی خانوادگی، هم می‌توانند مانع دستیابی به اهداف شوند و هم می‌توانند دستیابی به آن‌ها را تسهیل نمایند (Siegel, 2011: 206).

اصطلاح «نظریه کنترل» نیز به دیدگاهی باز می‌گردد که درباره‌ی کنترل انسان بحث می‌کند. نظریه‌های کنترل اجتماعی، بزهکاری را به متغیرهای عادی جامعه نسبت می‌دهند و به جای طرح این پرسش نمونه‌ای جرم‌شناسان یعنی «چه عواملی افراد را مجرم می‌کند؟»، نظریه پردازان کنترل اجتماعی در این باور مشترک‌اند که رفتار انحرافی، چیزی مورد انتظار است و آنچه باید تشریح شود این است که «چرا مردم از قانون پیروی می‌کنند». جزء مهم تمام نظریه‌های کنترل اجتماعی، تلاش برای تشریح عوامل بازدارنده مردم از ارتکاب جرم است (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۳: ۲۸۳-۲۸۴).

مباحث مطرح شده در بالا، ضرورت بررسی نظریه کلاسیک فشار در کنار سایر نظریه‌های مطرح شده درباره‌ی مهارهای موجود بر جرم برای ارائه‌ی تبیین کامل‌تری از رفتارهای انحرافی را مورد توجه قرار می‌دهد. لذا تحقیق حاضر در پی آن است که با بررسی توان تبیینی نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل (Control Theories) (نظریه‌های بازدارندگی) (Deterrence)، پیوند اجتماعی (Social Bonds) و نظریه عمومی جرم (General Theory of Crime) که ناظر بر مهارهای درونی و همچنین بیرونی‌اند، به تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان پردازد. از این رو این تحقیق درصدد پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان را بر اساس نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل تبیین نمود؟

۲. مرور پیشینه تجربی تحقیق

در خارج از کشور، تحقیقات زیادی در پرتو نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل اجتماعی به منظور تبیین رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان صورت گرفته است. در مطالعات خارج از کشور چارچوب نظری پژوهش را نظریه عمومی جرم به همراه ترکیبی از یک یا چند نظریه مانند نظریه‌های فشار، بازدارندگی، انتخاب عقلانی، یادگیری اجتماعی تشکیل داده است که در این میان نظریه بازدارندگی و سپس انتخاب عقلانی جایگاه اول را در همراهی با نظریه عمومی جرم به منظور تبیین رفتارهای انحرافی به خود اختصاص داده‌اند. نظریه عمومی جرم الهام‌گر تحقیقات بسیاری بوده است (Grasmick & et al, 1993; Pratt & Cullen, 2000; Tittle & et al, 2003; Antonaccio & Tittle, 2008). این مطالعات که حمایت قابل توجهی را برای قضایای این نظریه فراهم می‌کنند، اذعان می‌دارند که خودکنترلی پایین پیش بینی‌کننده‌ی متوسط انواع مختلفی از رفتارهای انحرافی است.

تحقیقاتی که نظریه بازدارندگی را برای تبیین رفتارهای انحرافی مورد استفاده قرار داده‌اند (Paternoster, 1987; Pratt & et al. 2006; Pograsky, 2007)، همبستگی منفی میان قطعیت درک شده از مجازات‌ها و جرم را نشان می‌دهند. همچنین نتایج تحقیقاتی که به بررسی تأثیر پیوندهای اجتماعی می‌پردازند، نشان می‌دهند که در بیشتر موارد پیوستگی و التزام در دو بعد خانواده و مدرسه اثرات مفروضی بر افزایش رفتارهای انحرافی دارند. به علاوه، تحقیقات مختلفی نظریه کلاسیک فشار و بسیاری از مفاهیم آن را در طی ۲۰ سال گذشته مورد تجدید نظر و بازبینی قرار داده (Ozby & Ozcan, 2006) و جهت‌گیری‌های متفاوتی را در خصوص آن دنبال کردند که شامل عملیاتی کردن متفاوت فشار و معرفی مفاهیمی است که تا کنون بررسی نشده‌اند. در این میان، تنها یک مورد از تحقیقات آنتوناکیو (۲۰۰۸) از چهارچوب نظری مورد نظر تحقیق حاضر که شامل نظریه‌های کلاسیک فشار/آنومی، بازدارندگی، پیوند اجتماعی و نظریه عمومی جرم می‌باشد، استفاده کرده است. متغیر وابسته این پژوهش‌ها، مجموعه‌ای شامل ارتکاب چند رفتار انحرافی از جمله مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، رانندگی در حالت مستی و تقلب را تشکیل داده است. در تحقیقات خارجی علاوه بر بررسی رفتارهای انحرافی، مصداق‌های متفاوتی از آن نظیر مصرف مواد، ماری‌جوانا، الکل، رفتارهای پرخطر جنسی، رفتارهای خطر آفرین رانندگی و ... را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند. حجم نمونه بسیار زیاد، استفاده از داده‌های طولی، استفاده از تنوعی‌های متعدد و استفاده از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری، از

ویژگی‌های مثبت تحقیقات اخیر است که یافته‌های قابل توجهی در مورد پیش‌بینی رفتارهای انحرافی دانشجویان به دست می‌دهد و نتایج پژوهش را قابل استناد می‌کند. مرور نتایج تحقیقات پیشین در مورد رفتارهای انحرافی در ایران واقعیت‌های تلخی را در خصوص گسترش روز افزون اینگونه رفتارها بازگو می‌کند. در میان تحقیقات داخلی در زمینه رفتارهای انحرافی، برای نمونه، پژوهش‌های (مقصودی و بنی فاطمه، ۱۳۸۳؛ خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۷؛ میری و بهرامی احسان، ۱۳۸۹؛ نظیفی و همکاران، ۱۳۹۰؛ خامسان و امیری، ۱۳۹۰؛ علیوردی‌نیا و صالح نژاد، ۱۳۹۰، ۱۳۹۳؛ علیوردی‌نیا و یونس، ۱۳۹۳؛ بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳؛ علیوردی‌نیا و خاکزاد، ۱۳۹۲؛ علیوردی‌نیا و همتی، ۱۳۹۲؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴) قابل توجه است. علی‌رغم پژوهش‌های گسترده در خارج از کشور در خصوص رفتارهای انحرافی، تنها مطالعات اندکی در داخل کشور با توجه به نظریه‌های مورد نظر تحقیق حاضر به تبیین رفتارهای انحرافی پرداخته‌اند. در پژوهش‌های داخلی، محققان به دنبال تبیین علی رفتارهای انحرافی روی متغیرهایی مانند گسست بین آرزوها و توقعات، دینداری، خودکنترلی، برچسب رسمی، مولفه‌های پیوند اجتماعی، سابقه مصرف مواد در خانواده، حمایت عاطفی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و به ویژه جنسیت تاکید کرده‌اند. به نظر می‌رسد تحقیق مستقلی در ایران که به ارزیابی توان تبیینی نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل، مشتمل بر نظریه‌های کلاسیک فشار/آنومی، بازدارندگی، پیوند اجتماعی و نظریه عمومی جرم، در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان پرداخته باشد انجام نشده است و این تحقیق در پی پر کردن این خلا پژوهشی است.

۳. چهارچوب نظری

۱.۳ نظریه کلاسیک فشار / آنومی مرتن

مرتن (۱۹۳۸) مقاله بسیار مهمی با عنوان «ساختار اجتماعی و آنومی (Social Structure and Anomie)» منتشر ساخت. وی در این مقاله، با توسعه یک جهت از نظریه دورکیم، مدعی شد که آنومی می‌تواند وضعیت عادی امور برای اشخاص در بخش‌های خاصی از جامعه باشد، وقتی که اهداف فرهنگی مانند توفیق مالی مورد تأکید فراوان و راه‌های دستیابی به آن اهداف مسدود باشد (رایبگتون و واینبرگ، ۱۳۹۰: ۱۰۱). مرتن استدلال می‌کند که دو عنصر فرهنگ اجتماعی یعنی هنجارهای نهادی شده (ابزارهای مشروع) و اهداف فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در جوامع متوازن و پایدار، تأکید مشابهی بر هر دو یعنی

اهداف فرهنگی و ابزارهای مشروع دستیابی به آنها قرار دارد. به علاوه، همه‌ی افراد در درون ساختار اجتماعی توانایی دسترسی به این ابزارها را دارند. در مقابل، جوامع دیگری وجود دارند که توانایی حفظ توازن میان اهداف فرهنگی و ابزارها را ندارند (Antonaccio, 2008: 4-5). زمانی که در جامعه میان اهداف و ابزارها تناسبی وجود نداشته باشد؛ یعنی زمانی که فرصتها برای افراد بدلیل موقعیت طبقه اجتماعی‌شان مسدود شده باشد، مشکلات فشار پدید می‌آید (Tierney, 2006: 96).

۲.۳ نظریه کلاسیک فشار آلبرت کوهن (Albert Cohen)

آلبرت کوهن در اثر خود «پسران بزهکار» نسخه‌ای از نظریه فشار را ارائه می‌دهد. دیدگاه اصلی کوهن آن است که اعضا جامعه دارای نظام ارزشی مشترک هستند که بر ارزش‌هایی خاص نسبت به دیگر ارزش‌ها تأکید دارد. در ایالات متحده، این ارزش‌ها در ارتباطی تنگاتنگ با طبقه متوسط قرار دارد. اغلب این ارزش‌های مشترک، بر اهدافی تأکید دارند که به دست آوردن موفقیت منجر می‌شود؛ لذا، موفقیت به خودی خود به یک هدف عمومی تأیید شده تبدیل می‌گردد. فرصت‌ها برای رسیدن به اهداف بیشتر در دسترس طبقه متوسط است تا طبقه پایین (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۳: ۱۷۰) و جوانان طبقه‌ی پایین شکلی از تضاد فرهنگی که کوهن آن را وضعیت ناکامی می‌نامد، تجربه می‌کنند. در نتیجه بسیاری از آنها در دار و دسته‌ها می‌پیوندند. کوهن دار و دسته‌های بزهکارانه را به عنوان خرده فرهنگی مجزا مشاهده می‌کند که سیستم ارزشی آن مخالف با جامعه است و خرده فرهنگ را به عنوان آن چیزی توصیف می‌کند که هنجارهایش را از فرهنگ بزرگتر می‌گیرد، اما آن‌ها را وارونه می‌سازد (Siegel, 2011). به عبارت دیگر، کوهن خرده فرهنگ یاد شده را نوعی نظام فرهنگی جایگزین به حساب می‌آورد. نظامی که شکل‌گیری و رشد آن، محصول دو عامل زیر است: نخست فرصتهای فرو بسته بر اعضای جوان طبقه‌ی کارگر؛ دیگر، عزت نفس پایینی که این افراد بدان دچارند (وایت و هینز، ۱۳۹۲: ۱۶۱-۱۶۰).

۳.۳ نظریه‌های کنترل

۱.۳.۳ نظریه بازدارندگی

فرض بنیادی نظریه بازدارندگی این است که ترس از مجازات‌ها افراد را از ارتکاب جرم باز خواهد داشت (Antonaccio, 2008: 25). نظریه‌پردازان، بازدارندگی را شامل سه جزء

می‌دانند. سرعت (Celerity)، قطعیت (Certainty) و شدت (Severity). سرعت عبارت است از سرعتی که مجازات تحقق می‌یابد. قطعیت عبارت است از اطمینان از وقوع مجازات، زمانی که عملی نامطلوب به وقوع می‌پیوندد. شدت نیز عبارتست از میزان درد و رنجی که در انتظار مرتکبان چنین اعمالی است (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱: ۳۶).

بازدارندگی شامل فرآیندی دو بخشی است: اول اینکه، درک فرد از قطعیت و شدت مجازات تحت تأثیر ویژگی‌های عینی مجازات است و دوم اینکه، افزایش در میزان درک فرد از احتمال مجازات و شدت آن، احتمال بروز رفتار انحرافی را کاهش می‌دهد (Tierney, 2006: 154). دانشمندان بازدارندگی معاصر نیز بر دو نوع از پیامدهای منفی‌ای که نتیجه‌ی کنش‌های انسانی است، مجازات‌های رسمی و غیر رسمی تمرکز کرده‌اند (Antonaccio, 2008: 27-28). دونا شاپ (Dunashop) می‌گوید تهدید مجازات غیر رسمی بازدارنده واقعی است و مجازات رسمی تا جایی مهم است که موجب مجازات غیر رسمی می‌شود. توافق قابل توجهی در این مورد که مجازات‌های غیر رسمی اثرات بازدارندگی بیشتری نسبت به مجازات‌های رسمی دارند، وجود دارد (Tierney, 2006: 169).

۲.۳.۳ نظریه پیوند اجتماعی

هیرشی (۱۹۶۹) در کتاب علل بزهکاری خود استدلال می‌کند که بشر به طور طبیعی قابلیت ارتکاب جرم یا کنش‌های انحرافی را داراست. در این نظریه او تلاش می‌کند به این سؤال که چرا افراد هم‌نوا هستند، پاسخ دهد و نشان می‌دهد که علت این هم‌نواپی پیوند اجتماعی قوی با جامعه است. بالعکس، اگر پیوند اجتماعی فردی ضعیف باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که این فرد مرتکب اعمال انحرافی شود (Antonaccio, 2008: 40). هیرشی چهار عنصر پیوند اجتماعی را شناسایی کرد: پیوستگی، التزام، مشغولیت و باور. پیوستگی اشاره به حساسیت یک فرد و علاقه‌ی او به دیگران دارد. التزام شامل زمان، انرژی و تلاش به کار گرفته شده در مسیر عمل متعارف است. مشغولیت به معنای آن است که درگیری در فعالیت‌های متداول زمانی کمی را برای رفتار غیرقانونی باقی می‌گذارد. همچنین باور گویای آن است که افرادی که در محیط اجتماعی مشابهی زندگی می‌کنند، باورهای اخلاقی مشترکی دارند و ممکن است به ارزش‌هایی همانند احترام به قانون پایبند باشند (Siegel, 2011: 263-265).

۳.۳.۳ نظریه عمومی جرم (نظریه خودکنترلی (Self-Control Theory))

جدیدترین نسخه نظریه کنترل اجتماعی مربوط به میشل گاتفردسون و تراویس هیرشی است که با عنوان «نظریه عمومی جرم» معروف به «نظریه خودکنترلی» مورد توجه قرار

می‌گیرد (وینفری، ۱۳۸۸: ۲۸۵). خودکنترلی به معنای توان افراد در محدود ساختن خویش است (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱: ۲۱۲). در این اثر بحث اصلی این است که رفتار مجرمانه ناشی از سطح پایین خودکنترلی است (Tierney, 2006: 331). افراد با خودکنترلی پایین که از رفتارهای پر خطر، هیجانی و کامروایی فوری لذت می‌برند، احتمال بیشتری وجود دارد که آنها از اعمال مجرمانه که نیاز به مخفی‌کاری، چابکی، سرعت و قدرت بیشتری دارند، نسبت به اعمال متعارف که خواهان بررسی طولانی مدت و مهارت‌های شناختی و کلامی‌اند، لذت ببرند (Siegel, 2011: 308).

میزان خودکنترلی فرد به شیوه‌هایی که او اجتماعی می‌شود، به خصوص در خانواده و در طول سالهای اولیه زندگی‌اش بستگی دارد (Tierney, 2006: 331) و علت خودکنترلی پایین فرزند پروری بی اثر است (Clinard & Meier, 2008: 93). از شرایط مورد نیاز برای توسعه خودکنترلی به میزان کافی این است که والدین یا سایر سرپرست‌های کودک بر فعالیتهای او نظارت داشته باشند، رفتارهای انحرافی‌اش را بازشناسند و به اصلاح این رفتارها بپردازند (Nofziger, 2010: 30).

در مجموع، استفاده از چهارچوب نظری چندگانه برای بررسی رفتارهای انحرافی می‌تواند سودمند باشد زیرا میزان ترس از مجازات‌ها (قطعیت درک شده از مجازات‌ها) ممکن است به مشخص کردن شرایطی که تحت آن افراد از انطباق‌های متداول به فشار صرف نظر کرده و در عوض راهبردهای مقابله‌ای مجرمانه و بالعکس را انتخاب کنند، کمک کند. همچنین همانطور که در نظریه پیوند اجتماعی بدان اشاره شد از آنجایی که افراد با کنترل اجتماعی پایین پیوندهای عاطفی کمی دارند، در نتیجه ترس کمتری نیز برای از دست دادن پیوستگی مورد نظر در صورتی که مرتکب اعمال انحرافی شوند، دارند. لذا وقتی که آنها فشار را تجربه می‌کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که آنها از طریق راهبردهای مقابله‌ای آن را مهار کنند. از سویی دیگر، فشار ممکن است پیوستگی فرد به دیگران را نیز به خطر اندازد. (Antonaccio, 2008: 30-39).

طبق نظریه عمومی جرم نیز افراد دارای خودکنترلی پایین، تکانشی‌اند، در نتیجه، ممکن است پاسخ‌های مجرمانه به فشار را که اغلب شامل کامروایی فوری است، انتخاب نمایند. همچنین از آنجایی که افراد با خودکنترلی پایین قادر به تحمل شرایط ناامید کننده نیستند، احتمال بیشتری برای تجربه فشار و ناامیدی منجر به جرم را دارند. برخی از محققان معتقدند که افرادی که فشار را به کرات تجربه می‌کنند، با موارد بسیاری مواجه می‌شوند که خودداری باید اعمال شود، در نتیجه ممکن است میزان خودکنترلی شان به حداقل رسد.

این سطح کاهش یافته خود کنترلی به احتمال زیاد، به نوبه‌ی خود، درگیری بیشتری در رفتار انحرافی را ایجاد می‌کند (Antonaccio, 2008: 46). به طور کل، قرار گرفتن در معرض فشار، پیوندهای فرد با دیگران مهم را تضعیف، ارزیابی فرد از خطرات مجازات و خودکنترلی درونی را تحت تأثیر (کاهش) قرار می‌دهد.

۴. فرضیه‌های تحقیق

- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت است (مستخرج از نظریه کلاسیک فشار).
- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از گسست بین آرزوها و توقعات است (مستخرج از نظریه کلاسیک فشار).
- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از تصور نسبت به محدودیت فرصت است (مستخرج از نظریه کلاسیک فشار).
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از ترس از مجازات‌ها است (مستخرج از نظریه بازدارندگی).
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از پیوستگی است (مستخرج از نظریه پیوند اجتماعی).
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از التزام است (مستخرج از نظریه پیوند اجتماعی).
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از باور است (مستخرج از نظریه پیوند اجتماعی).
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از خودکنترلی است (مستخرج از نظریه عمومی جرم).

۵. روش

روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی و مقطعی (Cross-Sectional) است. جمعیت تحقیق این پژوهش، کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران که در سال ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند، می‌باشد که تعداد آنها بر اساس آمار به دست آمده از اداره آموزش این دانشگاه، ۱۱۳۷۷ نفر (۴۳۶۹ پسر و ۷۰۰۸ دختر) است. با توجه به برآورد دواس (۱۳۹۰: ۷۸) از حجم نمونه توسط پاره‌ای از ویژگی‌ها مثل همگنی جمعیت و میزان خطای نمونه‌گیری پنج درصد، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای جمع‌آوری اطلاعات مناسب تشخیص داده شد. با توجه به احتمال مخدوش شدن پرسشنامه‌ها در اثر پاسخ ندادن،

الگوی یکنواختی در پاسخ دهی، پاسخ‌های نامربوط، مفقود شدن پرسشنامه‌ها و غیره و برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه، در مجموع ۴۲۰ پرسشنامه تکثیر و توزیع گردید. پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، در نهایت ۳۸۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم می‌باشد. مطابق با نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، دانشگاه بر اساس دو مقوله جنسیت و دانشکده طبقه‌بندی شد.

۶. اعتبار و پایایی ابزار سنجش

در این تحقیق برای بررسی اعتبار ابزار سنجش، از روش اعتبار محتوا برای تمامی متغیرهای تحقیق و اعتبار سازه‌ی نظری برای متغیر وابسته استفاده شد. در این شیوه ارزیابی، سنججه بر حسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت می‌گیرد (دواس، ۱۳۹۰: ۶۴). نتایج تحقیق پیش رو حاکی از آن بود که بین میانگین رفتار انحرافی پسران و میانگین رفتار انحرافی دختران تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که میانگین رفتار انحرافی پسران نسبت به میانگین رفتار انحرافی در دختران به طرز معناداری بیشتر است. این یافته با نتایج تحقیقات متعدد پیشین خارجی (Denno, 1990; Deng, 1994; Bennet, 2005) و داخلی (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰؛ علیوردی نیا و یونسی، ۱۳۹۳؛ علیوردی نیا و قهرمانیان، ۱۳۹۵) مطابقت دارد. بنابراین مقیاس متغیر وابسته (رفتارهای انحرافی) این پژوهش از اعتبار سازه نظری برخوردار است. همچنین پایایی ابزار سنجش از از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۱. نتایج آلفای کرونباخ مقیاس‌های تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت	۴	۰/۷۰
تصور نسبت به محدودیت فرصت	۴	۰/۵۲
ترس از مجازات‌ها	۱۳	۰/۷۵
پیوستگی	۲۰	۰/۸۷
التزام	۱۴	۰/۸۹
باور	۱۱	۰/۷۹
رفتارهای انحرافی	۲۰	۰/۸۵

۷. تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

۱.۷ متغیر وابسته

رفتارهای انحرافی (Deviant behaviors): رفتارهای انحرافی به تمامی اعمال و نگرش‌هایی گفته می‌شود که با انتظارات فرد، گروه‌ها و نهادها سازگار نیستند. ویژگی این‌گونه رفتارها آن است که مجازاتی به دنبال دارند (شفرز، ۱۳۹۰: ۲۲۳). در پژوهش حاضر به منظور سنجش عملی متغیر رفتارهای انحرافی از مقیاس ساخته شده توسط علیوردی‌نیا و یونسی (۱۳۹۴) استفاده شده است.

۲.۷ متغیرهای مستقل

۱.۲.۷ عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت (The Failure to Achieve Positively Valued Goals)

مرتن معتقد بود که افرادی که تأکید بر دستیابی به هدف غالب را دارند، در صورتی که نتوانند با ابزارهای مشروع بدان دست یابند، احتمال بیشتری دارند که تحت شرایط خاص مرتکب رفتارهای انحرافی شوند (Antonaccio, 2008: 68). عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، در ۲ بعد اهداف شغلی و اهداف تحصیلی مورد بررسی واقع شده است. طراحی این مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین می‌باشد (Fium, 2003; Langtun & Piquero, 2007).

۲.۲.۷ گسست بین آرزوها و توقعات (The Gap between Aspiration and Expectation)

در سنت مرتونی آرزوها به عنوان اهداف ایده‌آل و مطلوبی که باید برای آنها تلاش کرد در نظر آورده می‌شوند، در حالی که توقعات چیزهایی هستند که فرد فکر می‌کند در عمل قادر است به آنها برسد. استدلال این است که تفاوت میان آرزوها و توقعات منجر به نوعی ناامیدی اجتماعی بالاتری از رفتار انحرافی می‌شود (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱: ۱۱۸). این متغیر در سه بعد گسست بین آرزوهای پولی و توقعات پولی، گسست بین آرزوهای تحصیلی و توقعات تحصیلی و گسست بین آرزوهای پولی و توقعات تحصیلی سنجیده شده است. این مقیاس مبتنی بر پژوهش‌های پیشین طراحی شده است (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲).

۳.۲.۷ تصور نسبت به محدودیت فرصت (Perception of limited opportunities)

نظریه کلاسیک فشار نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی بوسیله‌ی محدود کردن دسترسی به فرصتهای مشروع برای دستیابی به اهداف موفقیت، فشار ایجاد می‌کند (Antonaccio, 2008: 72). متغیر تصور نسبت به محدودیت فرصت بر اساس مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۲) شده است.

۴.۲.۷ ترس از مجازات‌ها (Fear of Punishments)

این متغیر در دو بعد ترس از مجازات‌های رسمی و غیر رسمی سنجیده شده است. مجازات‌های رسمی مجازات‌هایی‌اند که به طور نظام‌مند توسط اقدارهای سازمان یافته مطرح و اغلب در قوانین و سیاست‌های عدالت کیفری بیان شده‌اند. مجازات‌های غیر رسمی ناشی از واکنش‌های غیر رسمی اعضای خانواده، دوستان و دیگر افراد مهم است که معمولاً به طور نظام‌مند برنامه ریزی نشده است (Antonaccio, 2008). این مقیاس بر اساس تحقیقات پیشین (Paternoster, 1989; Vito & et al, 2007; Tibbetts & Myers, 1999; Nagin & Paternoster, 1993; Piquero & et al, 2005; Tibbetts, 1997).

۵.۲.۷ پیوستگی (Attachment)

به پیوندهای عاطفی فرد با پدر و مادر، دوستان و مدرسه باز می‌گردد. میزان قدرت پیوستگی که فرد نسبت به افراد مهم دیگر یا نسبت به نهادها دارد، می‌تواند مانع انحراف شود (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱: ۲۰۹). متغیر پیوستگی در سه بعد پیوستگی خانوادگی، پیوستگی تحصیلی و پیوستگی مذهبی سنجیده شده است. طراحی این مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین بوده است (Ozbay & Ozcan, 2006; علیوردی نیا و فهیمی، ۱۳۹۳).

۶.۲.۷ التزام (Commitment)

التزام ارائه‌کننده‌ی میزانی از سرمایه‌گذاری (نظیر میزان تحصیلات، شهرت خوب یا ایجاد یک کار تجاری) است که فرد پیشتر در جامعه انجام داده است (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱: ۲۰۹). در این تحقیق متغیر التزام در دو بعد التزام تحصیلی و التزام مذهبی مورد سنجش قرار گرفت. طراحی این مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین می‌باشد (علیوردی نیا و فهیمی، ۱۳۹۳; Ford, 2008).

۷.۲.۷ باور (Belief)

باور نشان دهنده‌ی پذیرش این امر است که قواعد اجتماعی عادلانه و دائم‌الاجرا است (Chui & Chan, 2011: 2330). هیرشی استدلال می‌کند که احتمال بیشتری وجود دارد که افراد از قوانین اجتماعی پیروی کنند، اگر آنها باور کنند که قوانین مشروع اند (Antonaccio, 2008: 34). متغیر باور بر اساس مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین (علیوردی‌نیا و فهیمی، ۱۳۹۳) سنجیده شده است.

۸.۲.۷ خودکنترلی

سطوح مناسب خودکنترلی، تمایل فردی پایداری است که به کنشگران اجازه می‌دهد تا از اعمال و رفتارهای آنی و فوری که هزینه‌ها و پیامدهایش از مزایای بلند مدت آن بیشتر است، اجتناب نمایند (Nofziger, 2008: 192). گراسمیک و همکاران (۱۹۹۳) مقیاسی برای سنجش خودکنترلی در شش بعد تکانشگری، خورم‌حوری، و ... تدوین کردند که در این تحقیق، برای سنجش متغیر خودکنترلی مبتنی بر پژوهش پیشین از مقیاس شش‌گویه‌ای آن استفاده شده است (Antonaccio, 2008).

۸. یافته‌های تحقیق

جنسیت ۶۳/۷ درصد (۲۴۲) نفر پاسخگویان دختر و ۳۶/۳ درصد (۱۳۸) نفر آنها پسر می‌باشند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۲/۵ سال است. گروه سنی ۲۳-۲۱ سال با ۴۶/۶ درصد (۱۷۷) دارای بیشترین فراوانی و گروه سنی بالاتر از ۲۹ سال با ۲/۶ درصد (۱۰) نفر کمترین فراوانی را داراست. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی با ۲۱/۶ درصد (۵۴) نفر دختر و ۲۸ نفر پسر) و پس از آن دانشکده علوم اقتصادی و اداری با ۱۹/۲ درصد (۴۹) نفر دختر و ۲۴ نفر پسر) بیشترین تعداد پاسخگویان را دارا می‌باشند. دانشکده علوم دریایی با ۰/۵ درصد کمترین میزان پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. بیشترین میزان پاسخگویان ۶۸/۷ درصد در مقطع کارشناسی بوده‌اند که از این میان ۱۶۸ نفر دانشجوی دختر و ۹۳ نفر دانشجوی پسر می‌باشند. تعداد دانشجویان ساکن در خوابگاه با ۶۳/۲ درصد (۲۴۰) نفر) و تعداد دانشجویان ساکن در نزد اقوام با ۰/۵ درصد (۲) نفر) به ترتیب بیشترین و کمترین فراوانی را دارا هستند. بیشترین میزان پاسخگویان ۲۱/۸ درصد (۸۳) در ترم تحصیلی ۶ می‌باشند.

جدول ۲. توزیع فراوانی متغیر رفتارهای انحرافی و ابعاد آن

گزینه	پسر		دختر		کل		ابعاد	رفتارهای انحرافی
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
اصلاً-کم	۹۵	۶۸/۸	۲۳۵	۹۷/۱	۳۳۰	۸۶/۸	بعد مصرف مواد، مشروبات الکلی، روانگردان و انحراف جنسی	
متوسط	۳۸	۲۷/۵	۶	۲/۵	۴۴	۱۱/۶		
زیاد-خیلی زیاد	۵	۳/۶	۱	۰/۴	۶	۱/۶		
اصلاً-کم	۱۲۱	۸۷/۷	۲۳۶	۹۷/۵	۳۵۷	۹۳/۹	بعد وندالیسم و سرقت	
متوسط	۱۳	۹/۴	۵	۲/۱	۱۸	۴/۷		
زیاد-خیلی زیاد	۴	۲/۹	۱	۰/۴	۵	۱/۳		
اصلاً-کم	۴۹	۳۵/۵	۱۲۴	۵۱/۲	۱۷۳	۴۵/۵	بعد تقلب تحصیلی	
متوسط	۲۷	۱۹/۶	۷۰	۲۸/۹	۹۷	۲۵/۵		
زیاد-خیلی زیاد	۶۲	۴۴/۹	۴۸	۱۹/۸	۱۱۰	۲۸/۹		
اصلاً-کم	۸۶	۶۲/۳	۲۲۰	۹۰/۹	۳۰۶	۸۰/۵	بعد پرخاشگری	
متوسط	۴۴	۳۱/۹	۱۷	۷	۶۱	۱۶/۱		
زیاد-خیلی زیاد	۸	۵/۸	۵	۲/۱	۱۳	۳/۴		
اصلاً-کم	۶۷	۴۸/۶	۲۰۵	۸۴/۷	۲۷۲	۷۱/۶	کل رفتارهای انحرافی	
متوسط	۵۸	۴۲	۳۵	۱۴/۵	۹۳	۲۴/۵		
زیاد-خیلی زیاد	۱۳	۹/۴	۲	۰/۸	۱۵	۳/۹		

جدول ۲ بر اساس دامنه نظری محاسبه شده و توزیع فراوانی متغیر رفتارهای انحرافی و ابعاد آن را نشان می‌دهد. طبق داده‌های جدول فوق، بیشترین میزان رفتارهای انحرافی در بعد تقلب تحصیلی بوده است، به طوریکه حدود ۲۸/۹ درصد از دانشجویان در حد زیاد-خیلی زیاد اظهار کرده‌اند که مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند، که از این تعداد سهم دانشجویان پسر با ۴۴/۹ درصد بیشتر از سهم دانشجویان دختر با ۱۹/۸ درصد است. پس از آن بیشترین میزان رفتارهای انحرافی در بعد پرخاشگری است، به طوریکه حدود ۱۹/۴۷ درصد از دانشجویان در حد متوسط، زیاد و خیلی زیاد مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند، که از این تعداد سهم دانشجویان پسر با ۳۷/۶۸ درصد بیشتر از سهم دانشجویان دختر با ۹/۰۹ درصد می‌باشد. همچنین کمترین میزان رفتارهای انحرافی در بعد وندالیسم و سرقت می‌باشد، به طوریکه حدود ۹۳/۹ درصد از دانشجویان اظهار کرده‌اند که

در حد اصلاً- کم مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند، که از این تعداد سهم دانشجویان پسر ۸۷/۷ درصد و سهم دانشجویان دختر ۹۷/۵ درصد می‌باشد. به طور کل، طبق نتایج جدول بالا، میزان رفتارهای انحرافی دانشجویان در حد اصلاً-کم می‌باشد، به طوری که حدود ۷۱/۶ درصد از دانشجویان اظهار کرده‌اند که در حد اصلاً-کم مرتکب رفتارهای انحرافی شده‌اند، که از این میان سهم دانشجویان پسر با ۸۸/۶ درصد کمتر از دانشجویان دختر با ۸۴/۷ درصد است. همچنین رفتارهای انحرافی ۲۴/۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط می‌باشد، که از این تعداد سهم دانشجویان پسر با ۴۲ درصد بیشتر از دانشجویان دختر با ۱۴/۵ درصد می‌باشد.

به طور کل، مطابق با نتایج تحقیق علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) بیشترین ارتکاب رفتارهای انحرافی به ترتیب برای بعد تقلب، پرخاشگری، وندالیسم و سرقت و مصرف مواد و انحرافات جنسی به دست آمده است. همچنین با نگاهی به تحقیقات پیشین در خصوص رفتارهای انحرافی، نتایج تحقیقی که توسط علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) صورت گرفته است، نشان می‌دهد که ۹۲ درصد دانشجویان دختر و ۶۴ درصد دانشجویان پسر در حد اصلاً-کم به مصرف مشروبات الکلی پرداخته‌اند. دانشجویان پسر با ۴۵ درصد بیشتر از دختران با ۲۰ درصد (دو برابر) به مصرف مشروبات الکلی پرداخته‌اند. در خصوص مصرف مواد مخدر هم بیشترین فراوانی در میان دانشجویان پسر بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۶۲ درصد پسرها و ۷۶ درصد از دخترها اصلاً در پارتی‌های مختلط دوستانه شرکت نکرده‌اند، این در حالی است که ۱۲ درصد پسرها و ۷ درصد دخترها، در حد زیاد-خیلی زیاد در پارتی‌های مختلط دوستانه شرکت کرده‌اند. در بعد تقلب تحصیلی نیز نتایج نشان می‌دهد که ۴۸/۸ درصد از دانشجویان دختر و ۴۴/۵ درصد از دانشجویان پسر به میزان اصلاً-کم، حدود ۵۰ درصد دانشجویان دختر و ۵۵ درصد دانشجویان پسر در حد متوسط و زیاد-خیلی زیاد مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند. در مقایسه با یافته‌های تحقیق حاضر که نشان می‌دهد ۶۷/۳ درصد دانشجویان پسر و ۹۴ درصد از دانشجویان دختر در حد اصلاً-کم مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند، کاهش میزان مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان در طی دو سال اخیر رخ داده است. به طور کل، در بعد مصرف مواد مخدر... همانند تحقیق پیشین، رفتارهای انحرافی در میان پسران بیشتر از دختران است. در تحقیق حاضر، در بعد تقلب تحصیلی میزان رفتارهای انحرافی در حد متوسط و زیاد-خیلی زیاد با ۴۹ درصد دانشجویان دختر و ۶۴ درصد در

دانشجویان پسر است، که این نشان دهنده‌ی آن است که میزان تقلب تحصیلی در میان دانشجویان دختر ثابت و در میان پسران افزایش یافته است. در بعد وندالیسم در قیاس با نتایج تحقیق دیگری که توسط علیوردی نیا و همکاران (۱۳۹۲) بر روی رفتار وندالیستی دانشجویان صورت گرفته، نتایج تحقیق حاضر حاکی از افزایش میزان رفتارهای وندالیسم در میان دانشجویان است؛ به طوری که در تحقیق پیشین، ۹۵/۲ درصد از دانشجویان پسر و ۸۷/۱ درصد از دانشجویان دختر به میزان اصلاً-کم و ۳ درصد دانشجویان پسر و ۷/۲ درصد دانشجویان دختر در حد زیاد-خیلی زیاد مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند در حالی که، در تحقیق حاضر ۷۵/۳ درصد از دانشجویان پسر و ۸۶/۲ درصد از دانشجویان دختر در حد اصلاً-کم و ۸/۵ درصد دانشجویان پسر و ۱/۷ درصد دانشجویان پسر در حد زیاد-خیلی زیاد مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند. همچنین همسو با نتایج تحقیق علیوردی نیا و خاکزاد (۱۳۹۲)، علیوردی نیا و فهیمی (۱۳۹۳)، علیوردی نیا و همکاران (۱۳۹۴) نتایج تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد که در تمامی ابعاد، مصرف مواد مخدر...، تقلب تحصیلی، وندالیسم و سرقت و پرخاشگری رفتارهای انحرافی پسران بیشتر از دختران بوده است.

جدول ۳. تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر رفتارهای انحرافی بر حسب دختر و پسر

ضریب بتا															
متغیرهای وابسته	مصرف مواد مخدر، روانگردان، مشروبات الکلی و انحراف جنسی			وندالیسم و سرقت			تقلّب تحصیلی			پرخاشگری			رفتارهای انحرافی		
	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر
نظریه کلاسیک فشار/آنومی															
عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت	۰/۰۳	-۰/۱۳	-۰/۰۲	-۰/۱۴*	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۰۳	۰/۰۰	-۰/۰۹	-۰/۰۶	-۰/۰۳	-۰/۰۵	-۰/۰۳	-۰/۰۳
گسست بین آرزوها و توقعات	۰/۲۱**	۰/۰۶	۰/۰۹	-۰/۰۱	-۰/۰۰	-۰/۰۰	۰/۱۳	۰/۱۷**	-۰/۱۵**	۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۲**
تصور نسبت به محدودیت فرصت	-۰/۰۸	۰/۰۴	-۰/۰۲	-۰/۱۲	-۰/۰۷	-۰/۰۸	-۰/۰۲	-۰/۰۵	-۰/۰۲	-۰/۰۷	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۰	-۰/۰۰	-۰/۰۰
نظریه بازدارندگی															
توسل از مجازات‌ها	-۰/۱۳*	-۰/۱۷	-۰/۱۳**	-۰/۰۴	۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۱۴*	-۰/۰۷	-۰/۱۲*	۰/۰۰	-۰/۱۰	-۰/۰۵	-۰/۱۱	-۰/۱۱	-۰/۱۲*
نظریه پیوند اجتماعی															
پیوستگی	۰/۰۰	-۰/۲۱*	-۰/۰۰	۰/۰۹	-۰/۱۷**	۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۰۵	-۰/۲۲*	-۰/۱۹	-۰/۲۲**	-۰/۰۵	۰/۰۰	-۰/۰۳
التزام	-۰/۳۸**	-۰/۲۰	-۰/۳۱**	-۰/۰۲	-۰/۲۶*	۰/۰۳	-۰/۲۲*	-۰/۲۹*	-۰/۲۷**	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۱۰	-۰/۲۵**	-۰/۲۹*	-۰/۲۹**
باور	-۰/۱۱	-۰/۰۷	-۰/۱۹**	-۰/۲۰**	-۰/۴۴**	-۰/۱۶*	-۰/۰۲	-۰/۱۵	-۰/۱۱	-۰/۰۶	-۰/۲۳*	-۰/۲۳**	-۰/۱۰	-۰/۲۷**	-۰/۲۶**
نظریه عمومی جرم															
خودکنترلی	-۰/۰۲	-۰/۲۱*	-۰/۰۲	-۰/۲۸**	-۰/۱۳	-۰/۳۸**	-۰/۲۱**	-۰/۰۷	-۰/۱۳**	-۰/۱۶	-۰/۱۶	-۰/۰۸	-۰/۱۸*	-۰/۱۴**	-۰/۱۴**
R ²															
	۰/۲۸	۰/۲۱	۰/۲۶	۰/۱۸	۰/۳۴	۰/۲۸	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۲۶	۰/۲۳	۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۳۵
F value															
	۱۱/۳۸	۴/۲۷	۱۶/۵۶	۶/۷۵	۸/۶۱	۱۸/۰۱	۵/۸۲	۳/۱۲	۱۰/۲۲	۴/۰۹	۵/۸۵	۱۴/۱۵	۱۰/۰۷	۹/۲۴	۲۵/۱۶

جدول ۳ تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر رفتارهای انحرافی و ابعاد آن را به تفکیک پاسخگویان دختر و پسر و کل آنها نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول، از متغیرهای نظریه کلاسیک فشار، تنها متغیر گسست بین آرزوها و توقعات هنگامی که با دیگر متغیرهای نظریه کنترل وارد تحلیل شد، در رفتارهای انحرافی و بعد تقلب تحصیلی آن در دختران و در کل دانشجویان و در بعد مصرف مواد مخدر... تنها در دختران معنادار بوده است. بیشترین میزان تبیین آن در بعد مصرف مواد مخدر... بوده است. متغیر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت تنها در بعد وندالیسم و سرقت و آن هم در دختران معنادار بوده است. متغیر ترس از مجازات‌ها در رفتارهای انحرافی تنها در کل دانشجویان و در بعد مصرف مواد مخدر... و تقلب تحصیلی، هم در کل دانشجویان و هم در دختران معنادار بوده است. بیشترین میزان تبیین این متغیر، در بعد تقلب تحصیلی و آن هم برای دختران است. متغیر پیوستگی در بعد پرخاشگری هم در دختران و هم در کل دانشجویان، در بعد وندالیسم و سرقت تنها در کل دانشجویان و در بعد مصرف مواد مخدر... تنها در پسران معنادار بوده است. بیشترین میزان تبیین متغیر پیوستگی در بعد پرخاشگری بوده است. متغیر التزام، در کل رفتارهای انحرافی و بعد تقلب تحصیلی آن معنادار بوده است. در بعد مصرف مواد مخدر... هم در دختران و هم در کل دانشجویان و در بعد وندالیسم و سرقت تنها در پسران معنادار بوده است. متغیر باور، به جزء بعد وندالیسم و سرقت در سایر ابعاد در دختران و در کل بعد تقلب تحصیلی معنادار نبوده است. بیشترین میزان تبیین باور، در بعد وندالیسم و سرقت و آن هم در پسران بوده است. متغیر خودکنترلی در کل رفتارهای انحرافی معنادار بوده است. در سایر ابعاد نیز به جز بعد مصرف مواد مخدر... در دختران معنادار بود. در بعد مصرف مواد مخدر... تنها برای پسران معنادار بوده است. بیشترین میزان تبیین کنندگی متغیر خودکنترلی در بعد وندالیسم و سرقت و آن هم در کل دانشجویان می‌باشد.

در مجموع، متغیر باور در بعد وندالیسم و سرقت برای پسران با بتا (۰/۴۴-) بیشترین تبیین را ارائه داده است و پس از آن، متغیر التزام در بعد مصرف مواد مخدر... برای دختران با بتا (۰-/۳۸) و متغیر خودکنترلی در بعد وندالیسم و سرقت برای کل دانشجویان با بتا (۰-/۳۸) بیشترین میزان تبیین را ارائه کرده‌اند.

جدول ۴. ضرایب تأثیر مدل‌های نظری مؤثر بر رفتارهای انحرافی

متغیر وابسته رفتارهای انحرافی												متغیرهای مستقل
ضریب بتا												
مدل ۴			مدل ۳			مدل ۲			مدل ۱			
کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	
نظریه کلاسیک فشار/ آنومی												
-۰/۰۳	-۰/۰۵	-۰/۰۶	۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۱۲*	۰/۱۴	۰/۰۲	عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت
۰/۱۲**	۰/۱۱	۰/۱۷**	۰/۱۲**	۰/۱۱	۰/۱۶**	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۱۱	گسست بین آرزوها و توقعات
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱	تصور نسبت به محدودیت فرصت
نظریه بازدارندگی												
-۰/۱۶*	-۰/۰۱	-۰/۱۲	-۰/۱۱*	-۰/۰۸	-۰/۱۲	-۰/۳۵**	-۰/۳۴**	-۰/۲۷**	-----	-----	-----	ترس از مجازات‌ها
						-----	-----	-----	-----	-----	-----	نظریه پیوندهای اجتماعی
-۰/۰۳	-۰/۰۰	-۰/۰۵	-۰/۰۳	۰/۰۰	-۰/۰۳	-----	-----	-----	-----	-----	-----	پیوستگی
-۰/۲۹**	-۰/۲۹**	-۰/۲۵**	-۰/۲۹**	-۰/۲۹*	-۰/۲۶**	-----	-----	-----	-----	-----	-----	التزام
-۰/۲۶**	-۰/۲۷**	-۰/۱۰	-۰/۳۱**	-۰/۳۶**	-۰/۱۶*	-----	-----	-----	-----	-----	-----	باور
نظریه عمومی جرم												
-۰/۱۴**	-۰/۱۸*	-۰/۲۴**	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	خودکنترلی
۰/۳۵	۰/۲۵	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۲۰	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	R ²
۲۵/۱۶	۱۰/۰۷	۲۵/۱۶	۲۶/۶۶	۹/۴۵	۸/۴۲	۱۴/۹۱	۵/۰۵	۵/۰۰	۱/۶۱	۰/۴۸۹	۰/۹۴۱	F value
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۱۸۶	۰/۸۱۴	۰/۴۲۱	Sig

در تحقیق حاضر، برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و پی بردن به عوامل مؤثر بر رفتارهای انحرافی از تکنیک تحلیل رگرسیون چندگانه به تفکیک دختر، پسر و کل آن‌ها استفاده شده است. برای سنجش تأثیر هر یک از متغیرها بر روی متغیر رفتارهای انحرافی و به منظور تبیین آن، مدلی در نظر گرفته شد که در آن در ابتدا متغیرهای نظریه کلاسیک فشار در مدل یک وارد تحلیل شد و سپس متغیرهای دیگر نظریه‌ها به ترتیب، ابتدا بازدارندگی در مدل ۲، سپس متغیرهای پیوندهای اجتماعی در مدل ۳ به آنها اضافه، و در نهایت متغیر نظریه عمومی جرم در مدل ۴ وارد تحلیل شدند.

در مدل ۱، متغیرهای نظریه کلاسیک فشار به تنهایی وارد مدل شده‌اند، ضریب تعیین ۰/۰۱ و سطح معناداری ۰/۱۸۶ گویای آن است که مدل ۱ به طور کل و همچنین به تفکیک دو جنس دختر و پسر، مدل خوبی برای تبیین رفتارهای انحرافی نیست. در مدل ۲، متغیر نظریه بازدارندگی به مدل ۱ اضافه گشت، ضریب تعیین ۰/۱۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ مدل دوم نسبت به مدل اول، بهتر می‌تواند تغییرات متغیر رفتارهای انحرافی را پیش بینی کند، این میزان در میان پسران بیشتر از دختران است. در مدل ۳، متغیرهای نظریه پیوندهای اجتماعی به مدل ۲ اضافه شد. ضریب تعیین ۰/۳۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل ۳ بهتر از مدل‌های ۱ و ۲ می‌تواند تغییرات متغیر رفتارهای انحرافی پیش بینی نماید، در این مدل نیز میزان ضریب تعیین برای دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر است، به عبارت دیگر، مدل با ترکیب این نظریه‌ها بیشتر به تبیین رفتارهای انحرافی پسران می‌پردازد تا دختران. در مدل ۴، متغیر نظریه عمومی جرم وارد مدل شد. ضریب تعیین ۰/۳۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل ۴ که مدلی کامل و مشتمل بر تمامی متغیرهای مورد بررسی تحقیق حاضر است، به نحو مستدل تری می‌تواند تغییرات متغیر رفتارهای انحرافی پیش بینی نماید، نکته قابل توجه این است که مدل ۴، بر خلاف سه مدل دیگر، بیشتر به تبیین رفتارهای انحرافی دختران می‌پردازد تا پسران.

۹. نتیجه‌گیری

تحقیقات بسیاری در زمینه رفتارهای انحرافی و علت‌یابی آن صورت گرفته است. نتایج این تحقیقات ضعف‌های نظری و تجربی نظریه کلاسیک فشار/آنومی را در تبیین رفتارهای انحرافی نشان داد. لذا در تحقیق حاضر سعی شده است از نظریه کلاسیک فشار/آنومی و سایر تبیین‌های جرم برای تبیین رفتارهای انحرافی استفاده شود. نتایج نشان داد که از میان ۸

متغیر مستقل، ۵ متغیر گسست بین آرزوها و توقعات، ترس از مجازات‌ها، التزام، باور و خودکنترلی تأثیر معناداری بر وقوع رفتارهای انحرافی داشته‌اند.

فرضیه ای که دلالت بر این دارد که بین گسست بین آرزوها و توقعات و رفتارهای انحرافی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، تأیید شد. ضرایب تأثیر این متغیر در جداول رگرسیونی نشان می‌دهد که این متغیر در رفتارهای انحرافی و بعد تقلب تحصیلی هم در کل دانشجویان و هم در میان دختران و در بعد مصرف مواد مخدر... تنها در میان دختران معنادار بوده است. نکته‌ی شایان ذکر آن است که رابطه‌ی گسست بین آرزوها و توقعات و رفتارهای انحرافی در دانشجویان پسر معنادار نبوده است. در سنت مرتبی آرزوها به عنوان اهداف مطلوبی در نظر گرفته می‌شوند که برای رسیدن به آنها باید تلاش کرد، در حالی که توقعات چیزهایی است که فرد می‌پندارد در عمل قادر به دستیابی به آنها است. تفاوت میان آرزوها و توقعات در افراد منجر به نوعی احساس ناامیدی و احتمال بالاتری از رفتارهای انحرافی می‌شود (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۱). نتایج این تحقیق منطبق با نتایج تحقیقات (Ozby & Ozcan, 2006; Farnworth & Leiber, 1989; Agnew & et al, 1996; Greenberg,) (1999) است.

فرضیه‌ای که دلالت بر رابطه منفی بین ترس از مجازات‌ها و رفتارهای انحرافی دارد، تأیید شده است. ضرایب تأثیر این متغیر در جداول رگرسیونی نشان دهنده‌ی آن است که رابطه‌ی میان ترس از مجازات‌ها و رفتارهای انحرافی تنها در کل دانشجویان و در ابعاد مصرف مواد مخدر... و تقلب تحصیلی آن هم در کل دانشجویان و هم در میان دختران معنادار بوده است. نظریه پردازان بازدارندگی معتقدند که افراد خود خواه و خود محور هستند. بنابراین، آنها باید از طریق ترس از مجازات‌ها بر انگیزته شوند که آن انگیزه‌های ملموسی برای آنها در جهت اطاعت از قانون فراهم می‌کند (Siegel, 2011: 103). یافته‌های این تحقیق در راستای یافته‌ها تحقیقات (Ozby & Ozcan, 2006; Farnworth & Leiber,) (1989; Agnew & et al, 1996; Greenberg, 1999) است.

فرضیه‌ای که دلالت بر رابطه معکوس بین التزام و رفتارهای انحرافی دارد، تأیید شده است. ضرایب تأثیر این متغیر در جداول رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیر التزام، در کل رفتارهای انحرافی و بعد تقلب تحصیلی آن معنادار بوده است. التزام نتیجه‌ی رویکرد سود-زیان به جرم است و به این معنا که اگر افراد التزام قوی‌ای به جامعه متعارف داشته باشند، احتمال کمتری وجود دارد که مرتکب اعمالی شوند که موفقیت‌هایشان در زندگی را به

خطر بیاندازد. در مقابل، عدم التزام به ارزشهای متعارف ممکن است نشانگر موقعیتی باشد که در آن رفتار مخاطره‌آمیز از قبیل جرم، جایگزین رفتار معقول می‌شود (Siegel, 2011: 265). نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشینی (جانگر (Junger) و مارشال (Marshall)، ۱۹۹۷) همسو بوده است. فرضیه‌ای که دال بر رابطه معکوس بین باور و رفتارهای انحرافی می‌باشد، مورد تأیید قرار گرفت. متغیر باور، به جزء بعد وندالیسم و سرقت در سایر ابعاد در میان دختران و در کل بعد تقلب تحصیلی معنادار نبوده است. افراد به قواعد و مقررات احترام می‌گذارند زیرا باور دارند که آنها عادلانه‌اند و نوعی تعهد اخلاقی نسبت به پیروی از آنها احساس می‌کنند. در نظریه کنترل اجتماعی استدلال شده است که تضعیف باورهای متعارف به هر علتی احتمال رفتارهای انحرافی را افزایش می‌دهد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق چویی و چان (۲۰۱۱) هم سو است. فرضیه دیگر تحقیق که دلالت بر وجود رابطه معکوس بین خودکنترلی و رفتارهای انحرافی دارد، نیز تأیید شد. نتایج نشان می‌دهد که متغیر خودکنترلی در کل رفتارهای انحرافی معنادار بوده است. در سایر ابعاد نیز به جز بعد مصرف مواد مخدر... در میان دختران معنادار بود. خودکنترلی به معنایی توانایی فرد در محدود کردن خود است. گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) معتقدند که افراد با خودکنترلی پایین ویژگی‌هایی دارند که آنها را برای رفتارهای انحرافی مستعد می‌سازد. این افراد که از رفتارهای پر خطر، هیجانی و کامروایی فوری لذت می‌برند، احتمال بیشتری وجود دارد که از اعمال مجرمانه که نیاز به مخفی‌کاری، چابکی و سرعت و دقت بیشتری دارند، لذت بیشتری ببرند (Siegel, 2011: 308). نتایج این تحقیق منطبق با نتایج تحقیقات (Grasmick & et al, 1993; Foster, 2004; Kobayashi, 2010; Ford & Blumenstein, 2011) و در تناقض با نتایج تحقیق (Jones & et al, 2007) می‌باشد. به طور خلاصه، متغیر باور در بعد وندالیسم و سرقت برای پسران با بتا (۰/۴۴-) بیشترین تبیین را ارائه داده است و پس از آن، متغیر التزام در بعد مصرف مواد مخدر... برای دختران با بتا (۰-/۳۸) و متغیر خودکنترلی در بعد وندالیسم و سرقت برای کل دانشجویان با بتا (۰-/۳۸) بیشترین میزان تبیین را ارائه کرده‌اند. همچنین مطالعات پیشین نشان دادند که استفاده از یک تبیین نظری ممکن است ناکارآمد باشد، حتی اگر آن متغیر به تنهایی بسیار مهم باشد. تبیین نظری‌ای موفق است که سایر تبیین‌های نظری را در برگیرد. نتایج تحقیق حاضر همانند سایر پژوهش‌ها نشان داد که نظریه کلاسیک فشار به تنهایی نمی‌تواند رفتارهای انحرافی دانشجویان را تبیین نماید. در نهایت، استفاده از نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل می‌تواند قدرت تبیینی را بهبود بخشیده

و تبیین مستدل‌تری از رفتارهای انحرافی ارائه دهد. مدل مشتمل بر مجموع این نظریه‌ها بهتر می‌تواند رفتارهای انحرافی دختران را تبیین نماید تا پسران. به طور کلی، بین پسران و دختران از لحاظ میزان وقوع رفتارهای انحرافی، تفاوت معناداری وجود دارد، به طوری که ارتکاب رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر می‌باشد. همانطور که گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) اظهار کرده‌اند، تفاوت‌های پایداری بین مشارکت در رفتارهای انحرافی دختران و پسران بر اساس مفهوم خودکنترلی وجود دارد. زیرا والدین وظایف متفاوتی را در قبال پسران و دختران‌شان به کار می‌گیرند. این تفاوت‌های جنسیتی در اوایل دوران زندگی به وجود آمده و در طول زندگی افراد پایدار می‌مانند. به بیان دقیق‌تر، والدین از آنجایی که بیم آن دارند که عواقب رفتارهای انحرافی، زیان به مراتب بیشتری را برای دختران نسبت به پسران، به همراه دارد؛ گرایش زیاد به نظارت دقیق فرزندان دخترشان و شناخت هر چه بیشتر رفتارهای انحرافی دارند.

در مجموع می‌توان اینگونه بیان کرد که از یک سو، قرار گرفتن در معرض فشار، ممکن است التزام فرد به فعالیت‌های متداول، باورهای او به قوانین، ارزیابی وی از خطرات مجازات و خودکنترلی‌اش را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، ترس از مجازات‌ها، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های متداول، باور به عادلانه بودن قوانین و خودکنترلی بالا، خود می‌تواند منجر به شرایطی شود که فرد از انطباق‌های معمول به فشار صرف نظر و راهبردهای مقابله‌ای را انتخاب نمایند.

کتاب‌نامه

- دواس، دی. ای. (۱۳۹۰). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- شفرز، برنارد (۱۳۹۰). مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه‌ی کرامت‌الله راسخ، نشر نی.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ صالح‌نژاد، صالح (۱۳۹۰). خودکنترلی و جنسیت و تأثیر آن بر رفتار انحرافی، زن در توسعه و سیاست، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۴: ۲۶-۵.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ شارع‌پور، محمود؛ مرادی، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی ۱، شماره ۴: ۶۹-۹۷.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ خاکزاد، زینب (۱۳۹۲). تبیین تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای انحرافی بر اساس نظریه فشار عمومی، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی چهاردهم، شماره ۴: ۱۳۷-۹۹.

۱۱۴ بررسی رفتار انحرافی دانشجویان: ارزیابی توان تبیینی نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل

- علی‌وردی نیا، اکبر؛ فهیمی، امین (۱۳۹۳). تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه پیوند اجتماعی در تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان دختر، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۳، شماره ۱: ۱۹۱-۱۶۵.
- علی‌وردی نیا، اکبر؛ یونسی؛ عرفان (۱۳۹۴). پیش‌درآمدی بر ساخت، اعتباریابی و رواسازی مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۹: ۵۸-۴۵.
- علی‌وردی نیا، اکبر؛ معمار، رحمت‌الله؛ نصر تزهی، سیمین (۱۳۹۴). بررسی تجربی رابطه دینداری، خودکنترلی و رفتار انحرافی، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱۶: ۴۳-۷.
- مقصودی، سوده؛ بنی فاطمه، زهرا (۱۳۸۳). تحلیل محتوای دیوار نویسی‌های کلاس‌های درس دانشگاه شهید باهنر کرمان، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳: ۲۸۸-۲۶۷.
- وایت، راب؛ هینز؛ فیونا (۱۳۹۲). جرم و جرم‌شناسی؛ متن درسی نظریه‌های جرم و کجرویی، ترجمه‌ی علی سلیمی، چاپ ششم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ویلیامز، فرانک‌پی؛ مک‌شین، ماری لین دی (۱۳۹۱). نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه‌ی دکتر حمید رضا ملک محمدی، تهران: انتشارات میزان.
- ویلیامز، فرانک‌پی؛ مک‌شین، ماری لین دی (۱۳۹۳). نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه‌ی دکتر حمید رضا ملک محمدی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.

- Agnew, Robert. (1992). "Foundation for A General Strain Theory of Crime and Delinquency". *Criminology*, 30: 47-87.
- Agnew, R., F. Cullen, V. Burton, D. Evans, and G. Dunaway. (1996). "A New Test of Classic Strain Theory." *Justice Quarterly*, 13: 681-704.
- Antonaccio, Olena (2008). "Theoretical Investigation of the Causes of Juvenile Delinquency in Ukraine: Toward Integration of Classic Strain and Control Theories". P.H.D Thesis, USA: University of Carolina State.
- Antonaccio, Olena and Charles R. Tittle. (2008). "Morality, Self-control, and Crime." *Criminology*, 46: 801-832.
- Bennet, S. & et al. (2005). "Explaining Gender Differences in Crime and Violence: The Importance of Social Cognitive Skills", *Aggression and Violent behavior*, 10: 263-288.
- Cernkovich, S., P. Giordano, and J. Rudolph. (2000). "Race, Crime, and the American Dream." *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 37: 131-170.
- Chui, Wing Hong; Chan, Heng Choon (Oliver) (2011). Social Bonds and Male Juvenile Delinquency While on Probation: An Exploratory Test in Hong Kong, *Children and Youth Services Review*, 33: 2329-2334.
- Cohen, Albert. 1965. "The Sociology of the Deviant Act: Anomie Theory and Beyond." *American Sociological Review*, 30: 5-14.
- Clinard, B. Marshal; F. Meier, Robert (2008). "Sociology of Deviant Behavior", Thirteenth Edition, Published by Wadsworth.
- Deng, X. (1994) "Toward a More Comprehensive of Crime: An Integrated Model of Self-Control and Rational Choice Theories". P.H.D Thesis, USA: University of New York.

- Denno, D.W. (1990). *Biology and Violence: From Birth to Adulthood*, England: Cambridge University Press.
- Durkin, K., T. Wolfe, and G. Clark. (1999). "Social Bonds Theory and Binge Drinking Among College Students: A Multivariate Analysis." *College Student Journal*, 33: 450-461.
- Farnworth and Leiber, (1989). "Strain Theory Revisited: Economic Goals, Educational Means, and Delinquency." *American Sociological Review* 54:263-274.
- Fiume, Timothy M. (2003) "Testing Strain, Control, and Differential Association Theories of Juvenile Delinquency", the Pennsylvania State University, the Graduate School.
- Ford, J. A. (2008). "Nonmedical Prescription Drug Use Among Adolescents: The Influence of Bonds to Family and School", *Youth & Society*, (40): 336-352.
- Ford, Jason A.; Blumenstein, Lindsey (2012). Self-Control and Substance Use Among College Students, *Journal of Drug Issues*, 43 (1): 56-68.
- Foster, David Robert (2004). *Can the General Theory of Crime Account for Computer Offenders: Testing Low Self-Control as a Predictor of Computer Crime Offending*. P.H.D Thesis.
- Grasmick, Harold G., Robert J. Bursik, Jr., and Bruce J. Arneklev. (1993). "Reduction In Drunk Driving As A Response to Increased Threats of Shame, Embarrassment, and Legal Sanctions." *Criminology*, 31:41-67.
- Greenberg, D. (1999). "The Weak Strength of Social Control Theory." *Crime and Delinquency*, 45: 66-81.
- Jason, A. Ford ; Lindsey, Blumenstein (2013). "Self-Control and Substance Use Among College Students", *Journal of Drug Issues*, 43 (1): 56-68.
- Jones, Shayne; Cauffman, Elizabeth; Piquero, Alex R.(2007). "The Influence of Parental Support among Incarcerated Adolescent Offenders: The Moderating Effects of Self-Control", *Criminal Justice and Behavior*, Vol. 34, No. 2: 229-245.
- Junger, Marianne; Ineke H., Marshall (1997). "The Interethnic Generalizability of Social Control Theory: An Empirical Test." *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 34:79-112.
- Kobayashi, Emiko; Vazsonyi, Alexander T., Chen, Pan; Sharp, Susan F. (2010). "A Culturally Nuanced Test of Gottfredson and Hirschi's "General Theory": Dimensionality and Generalizability in Japan and the United States", *International Criminal Justice Review*. 20 (2): 112-131.
- Langton, Lynn & Piquero Nicole Leeper (2007). "Can General Strain Theory Explain White-Collar Crime? A Preliminary Investigation of the Relationship between Strain and Select White-Collar Offenses", *Journal of Criminal Justice*, 35: 1-15.
- Lewis, Todd F.; Likis-Werle, Elizabeth; Fulton, Cheryl L. (2012). "Modeling Alcohol Use Intensity Among Students at a Historically Black University: The Role of Social Norms, Perceptions for Risk, and Selected Demographic Variables", *Journal of Black Psychology*, 38 (3): 368-390.
- Nagin, D. S., & Paternoster, R. (1993). "Enduring Individual Differences and Rational Choice Theory of Crime", *Law & Society Review*, 27(3): 467- 496.

- Nagin, Daniel S.; Greg Pogarsky (2001). "Integrating Celerity, Impulsivity and Extralegal Sanction Threats into A Model of General Deterrence: Theory and Evidence." *Criminology* 39: 865-891.
- Nofziger, Stacey (2008). The "Cause" of Low Self-Control: The Influence of Maternal Self-Control, *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 45(2): 191-224.
- Nofziger, Stacey (2010). "A Gendered Perspective on the Relationship between Self-Control and Deviance". *Feminist Criminology*, 5 (1): 29– 50.
- O'Brien, Mary Claire; McNamara, Robert S; McCoy, P Thomas; Sutfin, L Erin; Wolfson, Mark; Rhodes, Scott D (2012). *Journal of Health Psychology*, 18(4) 461–469.
- Ozbay, Ozden and Yusuf Z. Ozcan. (2006). "A Test of Hirschi's Social Bonding Theory." *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 50: 711-726.
- Paternoster, Raymond (1987). "The Deterrent Effect of the Perceived Certainty and Severity of Punishment: A Review of the Evidence and Issues." *Justice Quarterly*, 4: 173-218.
- Piquero, N. I., & Gover, A. R., & Macdonald, J. M., & Piquero, A. R. (2005) "The Influence of Delinquent Peers on Delinquency: Does Gender Matter?", *Youth & Society*, 36 (3): 251- 275.
- Pogarsky, Greg; Alex R. Piquero. (2003). "Can Punishment Encourage Offending? Investigating the "Resetting" Effect." *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 40: 95-120.
- Pratt, Travis C., and Francis T. Cullen. (2000). "The Empirical Status of Gottfredson's and Hirschi's General Theory of Crime: A Meta-Analysis. *Criminology*, 38: 931-64.
- Pratt, Travis C., Francis T. Cullen, Kristie R. Blevins, Leah E. Daigle, and Tamara D. Madensen. (2006). "The Empirical Status of Deterrence Theory: A Meta-Analysis." In *Taking Stock: The Status of Criminological Theory*, edited by Francis T. Cullen, John Paul Wright, and Kristie R. Blevins. New Brunswick: Transaction Publishers.
- Shoemaker, J. Donald (2010). *Theories of Delinquency An Examination of Explanations of Delinquent Behavior*, sixth edition, Published by Oxford University Thompson, E. William; V. Hickey (2010), "Society in Focus: an Interoduction to Sociology", Seventh Editin, Published by Pearson.
- Tibbettsi, S. G.; Myers, D. L. (1999). "Low Self- Control, Rational Choice, and Student Test Cheating". *American Journal of Criminal Justice*, 23(2): 179-200.
- Tibbetts, S. G. (1997). "Shame and Rational Choice in Offending Decisions". *Criminal Justice and Behavior*, 24(2): 234-255.
- Tienery, John (2006), "Criminology Theory and Context", Second Edition, Published by Longman.
- Tittle, Charles; Raymond Paternoster (2000). *Social deviance and crime: An organizational and theoretical Approach*, Los Angeles: Roxbury Publishing Company.
- Vito, G. F., & Maahs, J. R., & Holmes, R. M. (2007) "Criminology: Theory, Research, and Policy". Canada: Jones and